

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**تکامل عقول زنان  
در  
عصر ظهور**

مهین پاکروان

## فهرست فیبا

پاک روان، مهین

تکامل عقول زنان در عصر ظهور / مهین پاک روان. - تهیه کننده: مؤسسه پژوهشی انتظار نور قم: شباب الجنة، ۱۳۸۶.

۹۶ ص ۷۰۰۰ ریال شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۷۲۶-۰۰۹

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - ۲. مهدویت - انتظار،

۳. عقل (اسلام) الف. عنوان

۲۹۷/۴۶۲

BP ۲۲۴/۴/۸=۸



مؤسسه پژوهشی انتظار نور

عنوان: تکامل عقول زنان در عصر ظهور

مؤلف: مهین پاکروان

تهیه و تدوین: مؤسسه پژوهشی انتظار نور

ناشر: شباب الجنة

چاپ: شریعت

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۵۰۰

بهاء: ۷۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۷۲۶-۰۰۹

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است



نشانی: مؤسسه پژوهشی انتظار نور، چهار راه غفاری، کوچه شماره ۱۰،

پلاک ۳۷

تلفن: ۰۲۵۱-۶۶۲۵۲۲۱۵

## فهرست مطالب

|    |                                            |
|----|--------------------------------------------|
| ۱  | پیش‌نوشتار                                 |
| ۳  | تکامل عقول زنان در عصر ظهور                |
| ۵  | پیشگفتار                                   |
| ۱۰ | آثار و برکات وجود انسان کامل               |
| ۱۱ | ناکام ماندن بشریت                          |
| ۱۵ | فصل اول: کلیات                             |
| ۱۷ | ابعاد عقل                                  |
| ۲۴ | کمال و تکامل                               |
| ۲۵ | تکامل عقل                                  |
| ۲۹ | فصل دوم: عقل، حجت الهی                     |
| ۳۰ | ویژگی‌های عقل                              |
| ۳۸ | الف) عوامل عقل                             |
| ۴۰ | اول: زهد                                   |
| ۴۳ | دوم: تفکر در سرگذشت پیشینیان               |
| ۴۴ | سوم: گوش جان به کلام حق و توحید الهی سپردن |
| ۴۶ | ب) موانع عقل                               |
| ۴۶ | اول: شرک                                   |
| ۴۹ | دوم: ارتکاب معاصی                          |
| ۵۱ | سوم: سنت گرایی جاهلانه                     |
| ۵۲ | چهارم: پذیرش سلطه حکومت ظلم                |
| ۵۵ | فصل سوم: زن و تعقل                         |
| ۵۶ | الف) تعقل؛ ویژگی انسان                     |

|                                          |    |
|------------------------------------------|----|
| فصل سوم: زن و تعقل .....                 | ۵۵ |
| الف) تعقل؛ ویژگی انسان .....             | ۵۶ |
| ب) عقل و احساسات و عواطف .....           | ۵۹ |
| ج) زن، عقل یا احساسات .....              | ۶۳ |
| چکیده سخن .....                          | ۶۹ |
| فصل چهارم: تکامل در عصر ظهور .....       | ۷۱ |
| الف) تکامل عقول در عصر ظهور .....        | ۷۱ |
| ب) جایگاه و نقش زنان در تعالی عقول ..... | ۸۶ |

پیش نوشتار :

باور داشت مهدویت آفتاب فراگیر و از کران تا کران زندگی بخش و امید افزای بشر است ، که لحظه لحظه حیات پیروان آل محمد «ص» با اشعه های روح پرور آن شادابی و بالندگی یافته است.

«مهدویت» ادامه همان راهی است که با رویارویی هابیلیان و قابیلیان آغاز و با تلاش خستگی ناپذیر پیروان الهی ادامه یافت . همان سلوکی که با کوشش های مشفقانه ، دلسوزانه و رشد آفرین واپسین سفیر الهی ، خاتم رسولان به کمال رسید.

«مهدویت» گل بشکفته بوستان همه پیامبری هاست . میوه ارزشمند همه هدایت ها و سرچشمه سرشار از همه خوبی هاست .

چشم اندازی است با گستره وسیع به وسعت همه هستی و امیدی است انسان ساز ، دگرگون کننده و لذت بخش به روزگار پیش روی بشر.

«مهدویت» باورداشتهی است به آینده ، باوری است امید زا و امیدی است به پیدایی آموزه های آفتابگون و فراگیر داد و دادگری در تمام کره خاکی .  
شجره مبارکی است که ارزنده ترین ثمره آن در رشد عقلانی و تکامل اندیشه های انسانی متبلور می شود. اندیشه ای که در راستای عبودیت و بندگی،

جامعه بشری را در تاریکی ها به نور رهنمون می شود. همان آموزه‌ای که پیامبران الهی مأمور به انجام آن بودند و در راه رسیدن به آن رنج‌ها بردند. اگر چه محدودیت‌ها و شرایط خاص ایشان را از دست یابی کامل به این مقصود دور داشت.

این نوشتار که برگرفته از سخنان آفتابگون اهل بیت (علیهم‌السلام) و رهیافتی به تکامل عقول و جایگاه ارزشمند زنان در عصر ظهور است سعی و تلاش فراوان دارد تا به چگونگی رشد عقلی جامعه زنان در دولت کریمه بپردازد.

در پایان با آرزوی بهروزی و نیک فرجامی برای تمام یاوران خستگی ناپذیر آن یار سفر کرده، از خدواند منان خواستاریم این نوشتار که به زیور خلوص نویسنده محترم آن آراسته است را به شایستگی پذیرفته ما را در شناخت، تبیین و ترویج فرهنگ و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) به ویژه اندیشه انسان ساز مهدوی یاری فرماید.

موسسه پژوهشی انتظار نور

## تکامل عقول زنان در عصر ظهور

سلام، سلام بر تویی که آمدنت را باور دارم همچون  
طلوع خورشید از پس روزهای بارانی.

سلام بر تو، سلام بر شکوه آمدنت، آن هنگام که  
دست بر دیوار کعبه، پرچم عدالت خواهی ات را بر  
فراز مقام ابراهیم به اهتزاز در می آوری و کاخ  
طاغوت می فهمد که چه زود است فرو ریختنش.

سلام بر غرور تاختنت، آن هنگام که ذوالجناح را از  
میان فرات صدا می زنی و سوار بر مرکب عشق، لرزه  
بر اندام کینه تاریخ می اندازی.

سلام بر استواری گام هایت، آن زمان که زمین از  
تحمل بار تپاهی ها به تنگ آمده و از داشتن چنین  
مسافران سیاهی شرمناک است.

سلام بر خشم حیدری ات، آن هنگام که راه بر  
زورگویان غرقه در فساد و عصیان بر می بندی و بر  
نیرنگ هاشان مهر بطلان می زنی و...

سلام بر لطافت دستانت، آن زمان که مظلومان را از یوغ تسلیم و رکورد رها می‌سازی و بر شانه‌های کبود زمان مرهمی از نور می‌نهی.

سلام بر مهربانی نگاهت، آن هنگام که پیکر بی‌جان زندگی را روح معرفت می‌بخشی تا با کوله‌بار جاودانگی به آغوش چشمان نم‌زده تاریخ بازگردد. سلام بر روشنی نفس‌هایت، آن زمان که طنین خطبه‌های علوی را در خاطره بشریت یادآور می‌شوند.

و سلام بر معصومیت قیامت که بارقه سال‌ها شکیبایی تو بر بی‌خردی آنان خواهد بود که آمدنت را باور نداشتند.

سلام بر تو، روزی که متولد شدی، روزی که قیام می‌کنی و آن زمان که مبعوث خواهی شد.



## پیشگفتار

یکی از آثار وجودی حضرت حجت بر روی زمین، امکان هدایت انسان‌ها و وصول به سعادت است که این امر در زمان حضور آن حضرت، آسان‌تر خواهد بود. خدای حکیم به مقتضای علم بی‌پایان و حکمت مطلقه خود در رساندن آفریدگار به غایت مطلوب، که همان سعادت است، برگزیدگانی از طایفه بشر را به نام «حجت» خود بر آدمیان معرفی کرد و با در اختیار نهادن قانون جامع و کاملی به نام دین، اطاعت حجت خود را بر همگان واجب ساخت و آن را تنها طریق رسیدن به قرب خود قرار داد.

بشریت در طول تاریخ، از پیدایش آدم (ع) تاکنون، از نعمت وجود این برگزیدگان که کامل‌ترین انسان‌ها و انسان‌های کامل هستند، بهره‌مند بوده است، لکن متأسفانه فقط اندک شماری از آدمیان از آزمون الهی خود، یعنی گردن نهادن به امر ولی خدا، موفق بیرون آمده‌اند. در واقع درجه رشد عقلی انسان در حدی نبوده است که تعالی خود را در دنباله‌روی از آن پیام‌آوران الهی ببیند. تاریخ گویای این است که بشر

نه تنها از وجود سراسر کمال آنان بهره‌ای نبرده است، بلکه با سرکشی و عصیان و کینه و حقد خود، عرصه را چنان تنگ می‌کرده است که جز در پرتوی عنایت خاص و امر الهی به صبر و شکیبایی، تحمل آزارها ناممکن می‌نمود. گر چه میدان‌داران این عرصه، متغیر بوده‌اند، ولی تاریخ همواره تکرار شده است. زمانی نوح بود و مردمان نافرمان که او را استهزا کردند. زمان دیگر ابراهیم و شعله کین نمرودیان بوده آنان که رهایی را در انداختن خلیل خدا در آتش خشم و نفرت خود می‌دیدند. وقتی دیگر موسی بود و فرعونیان که خبر فرو ریختن پایه‌های کاخ‌هاشان به دست حجت حق، آنان را به دریدن شکم مادران باردار و سر بریدن فرزندان پسر، کشانید. زمانی هم عیسی با دوازده حواری‌اش تنها ماند و ابلیسیان روزگار، راه نجات را در به صلیب کشانیدن او یافتند و تا مرز عملی کردن نقشه خود پیش رفتند.

کاروان بشریت، همچنان راه خود را ادامه داد و انسان فرو رفته در منجلاب جهل و گناه و سرکشی با دست‌های آغشته به خون پاک‌ترین انسان‌ها و

برگزیدگان حق، شب‌های تار زندگی خود را می‌گذرانند تا اینکه با طلوع فجر دیگری، تابناک‌ترین خورشید آسمان رسالت درخشیدن گرفت و جهان سراسر ظلم و ظلمت را به نور خود روشن کرد. آمدن او، جلوه تام رحمت و اسعه حضرت حق تعالی بر آدمیان بود که جامع‌ترین قوانین انسان‌ساز را با خود به ارمغان آورده بود. او فرستاده خدا به سوی جهانیان بود و همه آنان را به کلمه «الله» و «توحید کلمه» فرا خواند حقیقت انسانیت را، که جز بندگی و خشوع به درگاه کمال مطلق نبود، در سیره و عمل خود به همگان شناساند. او تنها راه هدایت و سعادت را در پیروی از کامل‌ترین شریعت الهی یعنی اسلام معرفی کرد.

به دلیل ختم رسالت با نبی اعظم (ص) و نیز برخورداری اعراب جزیره العرب آن عصر، از توان بالای ادبی و فصاحت و بلاغت در گفتار مصلحت الهی بر این قرار گرفت که معجزه پیامبر خاتم (ص) با شیواترین بیان، در قالب کتاب جاویدان قرآن کریم و با تعالیم سعادت‌آفرین و انسان‌ساز، بر امت مسلمان

نازل گردد. نزول تدریجی قرآن در طول دو دهه، و اندی فرصت بسیار مناسبی برای اصلاح پایه‌های فکری و اخلاقی و منش آکنده از تعصب عرب بادیه‌نشین بود. چنانکه تاریخ صدر اسلام، نمونه‌هایی والا از انسان‌های هدایت‌یافته را در خود دارد که افتخار بشریت به شمار می‌آیند.

با وجود تلاش بی‌وقفه رسول خدا (ص) و یاران مخلصش در به ثمر رسانیدن شجره طیبه اسلام که با تحمل شدائد و سختی‌های طاقت‌فرسا همراه بود، از پای ننشستند. آن حضرت به چشم حق‌بین خود می‌دید که سردمداران قافله شرک و کفر و اشرافی‌گری، که قلب‌هاشان سرشار از تعصب و جهالت به ارث رسیده از پدرانشان بود، به مثابه بازماندگانی که گویا جز پراکندن رایحه مسموم نفاق و اختلاف و ظلم و کینه، عهدی ندارند، و در فرصتی مناسب و با استفاده از نادانی و کوردلی کوتاه‌بینان متعصب، به رویارویی با صف آهنین مردان حق‌طلب برمی‌خیزند. وجود این غده‌های چرکین در دل جامعه

نوپای اسلامی، پدر و مبشر دلسوز امت را واداشت تا مردمان را به حال خود رها نکند.

بدین ترتیب بود که با فرمان پروردگار جهانیان، راه یافتگان عرشی را که امام اهل آسمان بودند، به عنوان هادیان امت بر اهل زمین معرفی کرد و خود رخت سفر به دیار دوست بر تن پوشید، در حالی که بارها و بارها، منزلت آن مقدسان الهی را گوشزد و فرمان‌بری و اطاعت از اوامر آنان را بر مردمان فرض کرده و خوشنودی خدا و رسولش را در خوشنودی آنان و غضب خدا و پیامبرش را در خشم آنان، بر شمرده بود که عذابی سخت به دنبال خواهد داشت.

### آثار و برکات وجود انسان کامل

چون معارف بلند قرآن نیاز به تفسیر و تبیین دارد و انسان نیز در پیمودن راه تکامل، به مربیانی هدایت یافته نیازمند است، تا عمل آنان را الگوی خود قرار دهد، وجود انسان‌هایی کامل پس از پیامبر و در بین امت را می‌توان بهترین و بزرگ‌ترین نعمت خداوند بر بندگانش دانست، اگر امت، جان دل به راهنمایی‌های آنان می‌سپردند. تفسیر حقایق جز از سوی شخص واصل و آگاه به حقیقت، ممکن نیست و به نطق کشیدن قرآن صامت، تنها از عهده قرآن ناطق که همان مفسران واقعی‌اند بر می‌آید. عقل سلیم حکم می‌کند که در سپردن هدایت جان و روان به راهبر، باید احتیاط کرد و آرامش زمانی حاصل می‌شود که هدایتگر انسان، از هرگونه خطا و گناه معصوم باشد. اگر امتی این حقیقت را بداند، در تلاطم روزگار، سوار بر کشتی نجات از طوفان‌های سهمگین زندگی خواهد رست و به سلامت، بر ساحل کمال و سعادت فرود خواهد آمد.

درخشش یاران خاص ائمه اطهار (ع) در آسمان  
حیات بشریت طی دو قرن و نیم حضور آنان و نیز  
وجود صالحان رهرو و پیروان صالح آن بزرگواران،  
در گذر قرن‌های متمادی تا به امروز، شاهد صادقی  
بر این ادعا است.

### ناکام ماندن بشریت

در همواره تاریخ، استیلای زورگویان قدرت‌مدار و  
چپاول‌گران شیطان‌صفت، بزرگ‌ترین مانع رشد و  
تعالی و تکامل انسان‌ها در جوامع مختلف بوده است.  
امت اسلام نیز پس از پیامبر (ص)، از مصیبت مستثنی  
نبوده و لطافات جبران ناپذیری را تحمل کرده است.  
به شهادت رساندن بهترین و پاک‌ترین انسان‌ها، در  
زنجیر کشیدن قدم‌هایی که جز به خیر و خدمت  
بشریت بر داشته نمی‌شد، قطع دست‌ها و زبان‌هایی  
که جز حق بر آن جاری نمی‌گشت، از جمله جنایات  
این زورگویان است، تا اینکه سرانجام جامعه انسانی  
و جهان بشر از حضور پرفروغ انسان‌های کامل و  
بندگان برگزیده حق دردناکانه محروم شد. طعم تلخ  
این فراق و حرمان، آن چنان ذائقه حق‌طلبان و

آزادی خواهان حقیقت جو را آزرده که جز ناله و اشک و آه و حسرت نصیبی باقی نگذاشت.

اما جبر طبیعت و نیاز به پیشرفت، انسان را از حرکت باز نداشت و در گذر ایام، کاروان بشریت دروازه های علم و تکنیک و صنعت را یکی پس از دیگری گشود. اتم را شکافت و از انرژی آن بهره های شایانی برد. کره زمین را در نوردید و پا به کرات دیگر نهاد. کره زمین که روزگاری در پیمودن آن عمری صرف می شد با استفاده از تکنیک پیشرفته وسایل ارتباط جمعی به دهکده ای کوچک تبدیل گشت و انفجار اطلاعات، فضای خانه ها و افکار و اندیشه ها را به شدت تحت تأثیر خود قرار داد. این مسئله در شرایطی رخ می دهد که انتشار مطالب علمی و مفید، درصد بسیار ناچیزی از اطلاعات منتشره را تشکیل می دهد.

در مقابل، ارائه ضد ارزش ها و نمودهای فساد اخلاقی در فجیع ترین ابعاد آن، بیشترین فعالیت مورد نظر دارندگان پایگاه های اطلاعاتی حاکم بر جهان است. بارزترین اثر مخرب این فاجعه انسانی نابودی



وجدان‌ها و مدفون شدن فطرت خداجو در زیر خروارها خاکستر بوده است. دود سهمگین این آتش خانمان‌سوز، آسمان بلاد اسلامی را نیز تیره و تار کرده است. اندیشه‌های پاک قرآنی و قلب‌های صاف و روشن به نور کلام نبوی، به استعمار کشیده شده است و به بهای دستیابی به لذائذ نفسانی و سودبردن از مظاهر دروغین انسان‌دوستی و عشق‌های مهلک، شرافت انسانی و وجدان اخلاقی به فروش رفته است. بهایی که درهای کمال را به روی پرواز آدمیان در بی‌کران آسمان کمال و قرب الهی بسته است و آنان را از وادی نور به ظلمتکده خشم و عصیان و سبرخوردگی سوق داده است. به این ترتیب عقل‌ها به خاموشی گرایید و درک‌ها، قوه فهم خود را از دست داد. حق و باطل به هم آمیخت و عرصه زندگی بر زمینیان تنگ و تنگ‌تر شد. اما آیا این بلا و مصیبت را پایانی است؟ آیا نجات دهنده‌ای هست؟ آیا دریچه‌ای به سوی نور گشوده خواهد شد؟